نگاه

بازیابی ایران‌گرایی در برابر قوم‌گرایی، ضرورتی غیرقابل انکار برای حفظ همبستگی ملی

میرمهرداد میرسنجری*

● جامعه ایران در چند صباح گذشته شاهد رویدادهای درخور توجهی از سوی مقام‌های دولتی و غیردولتی و شماری از نمایندگان مجلس بوده است که تأمل، ارزیابی و تجزیه‌وتحلیل همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد.

دکتر علی‌اکبر ولایتی در سخنانی بی‌سابقه و دور از انتظار، آن‌هم در شبکه سراسری رسانه ملی، با بازخوانی سخنان کتیبه خشایارشاه هخامنشی، عظمت و شکوه تاریخ ایران باستان را با دقت و موشکافانه مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده است.

از دیگر سو، نقد روزنامه دولتی ایران درباره اظهارنظر صریح سردار نقدی درباره کورش بزرگ و نسبت‌هایی که به این شخصیت تاریخ ایران باستان زده شد، با پاسخ درخور توجه و کم‌سابقه در تاریخ جمهوری اسلامی از سوی سردار همراه شد که دگربار، شگفتی ناظران و تحلیلگران را در پی داشته است.

این مقام بلندپایه نظامی، ضمن تکذیب انکار ولی با اتهام‌هایی به کورش بزرگ بر «تاریخِ حداقل هفت‌هزارساله و شاید ۱۰هزارساله ایران» تأکید کرده است.

در جایی دیگر نیز با همین سخنان دور از انتظار، تأکید کرده «اگر تاریخ ایران باستان به‌درستی فهم و وصف شود، سرچشمه و ریشه آن به بزرگانی مانند پیامبر الهی، حضرت زرتشت -علیه‌السلام- خواهد رسید و اوست که بر تارک تاریخ ایران باستان می‌درخشد».

به‌راستی شرایط امروز دنیا، منطقه و ایران چگونه شده که پس از چهار دهه، در بالاترین سطوح مسئولان، «ایران‌گرایی» در حال تبدیل‌شدن به اولویت اصلی است؟

تردیدی نمی‌توان داشت که آنچه از سوی دشمنان علیه نظام ایران طراحی و اجرا می‌شود، خواه‌ناخواه با تهدیدهای علنی موجودیتی تاریخی به نام «ایران» و هویت ملی و تمامیت سرزمینی کشور هم پیوندی ناگسستنی دارد.

فدرالیست‌ها، رقیبان و دشمنان منطقه‌ای ایران ازجمله عربستان سعودی، جریان سوم، چپ‌های جهان‌وطن و... با وجود اختلاف برخی دیدگاه‌های سیاسی، در انکار و تضعیف هویت فرهنگی و تاریخی ملت یگانه ایران، دشمنی با یکپارچگی ملی و سرزمینی ایران و دامن‌زدن به اختلاف‌افکنی زبانی تیره‌های ایرانی (با نام جعلی و نادرست اقوام) سخن و هدفی واحد را بیان و دنبال می‌کنند.

در این میان، درحالی‌که در داخل جریان‌هایی هستند که تحریف، انکار و تحقیر تاریخ و فرهنگ ملی ایران باستان و ایران‌گرایی را مشکل مهمی برای کشور نمی‌دانند، رسانه‌های تبلیغاتی جهانی علیه هویت ایرانی شبانه‌روز در حال سمپاشی و سیاه‌نمایی هستند که فیلم ۳۰۰ در گذشته و بازی رایانه‌ای اخیر اساسینز کرید کیش قاتل «میراث خنجر مخفی» نمونه‌هایی هستند از تحریف تاریخ باستانی ایران از سوی غربی‌ها که در نبود هیچ متولی رسمی برای دفاع از تاریخ ایران باستان، هخامنشیان ایرانی را به دروغ، به‌عنوان افرادی وحشی، متجاوز و غارتگر نشان می‌دهند.

به‌راستی چرا ایران‌گرایی در کشور از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نشده و چرا کمترین حمایت رسمی و دولتی از این نیاز غیرقابل چشم‌پوشی صورت نگرفته است؟

مگر جز این است که هر ایرانی که متعهد به خدمت به کشورش باشد و به ملت و میهن خود علاقه داشته باشد، به حکم آنکه ایرانی است، باید با «ایران‌گرایی» آشنا باشد؟ و ایران‌گرابودن، مگر به‌جز احساس مسئولیت در برابر انجام وظایفی است که عمل‌کردن به آنها، موجب بهروزی، پیروزی و سربلندی ملت ایران خواهد شد؟

آیا نمایندگان می‌دانند مجلس شورا سمبل وحدت ملی است نه تفرقه‌افکنی قومی؟

شوربختانه، مدتی است برخی مقام‌های سیاسی و بعضی نمایندگان مجلس، با وجود تذکرهای مکرر دلسوزان کشور در پرهیز از «گسل‌سازی قومی»، دنبال بهره‌گیری و استفاده از شکاف‌های زبانی-قومی برای نیل به اهدافی هستند که بی‌تردید به نتایج فاجعه‌آمیزی منجر خواهد شد.

کوتاه سخن اینکه آیا وقت آن فرانرسیده است که سخن‌گفتن به هر شکل و ترفندی از تفرقه و ترویج جداسازی در قانون کشور جرم تلقی شود؟

به‌طور حتم، باید هوشیار باشیم که تقویت قوم‌گرایی و هم‌زمان تضعیف ایران‌گرایی، در نهایت خطر شوم فروپاشی ایران را در پی خواهد داشت و تردیدی نیست که نتیجه مستقیم بی‌توجهی و تضعیف علنی مفهوم هویت ملی و ایران‌گرایی در کشور، تقویت واگرایی زبانی- قومی است و از این روی، به نظر می‌رسد مسئولان به‌درستی و البته کمی دیر، به این نتیجه رسیده‌اند که ضامن بقای موجودیتی به نام «ایران»، چیزی نیست جز بازگشت به هویت ملی و ایران‌گرایی.

***استادیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئوپلیتیک**

خیز اصولگرایان برای تصاحب مجلس یازدهم!

روایت حسن بیادی از انتخابات مجلس دهم: باندهای متصل به قدرت و ثروت فهرست را هدایت می‌کردند

عکس: آرش میرسیاسی

شرق: آنها زودتر از اصلاح‌طلبان شروع کرده‌اند. پیش‌بینی یک مجلس هفتم دوباره آنها را به صرافت انداخته تا این‌بار متشتت ظاهر شوند و چندان در بند و دغدغه ائتلاف و اجماع نباشند. تا جایی که مؤتلفه باز گفته با فهرست حزبی خواهد آمد و جمنا (جبهه مردمی نیروهای انقلاب) هم اعلام کرده که یک فهرست ۱۵۰ نفره آماده کرده است. اگرچه خبر جدیدی می‌گوید که جمنا هم بعد از یک دوره کار قرار است منحل شود. اصولگرایان احتمالا پیش‌بینی کرده‌اند که میزان مشارکت در انتخابات آتی در مقایسه با انتخابات پیشین دچار کمی‌وکاستی خواهد بود. چه چیزی بهتر از این برای آنها. به‌ویژه در شهرهای بزرگ هروقت میزان مشارکت پایین آمده، برنده بازی انتخابات اصولگرایان بوده‌اند. البته برخی اخبار هم حاکی از این است که جمعی از اصولگرایان از تصمیمات و چینش جمنا دل خوشی ندارند و خواستار انحلال آن و جایگزینی با یک جبهه دیگرند. محمدرضا باهنر اخیرا گفته بود که ساختار جمنا باید تغییر کند. بعد از انتخابات مجلس دهم هم که فهرست اصولگرایان رأی نیاورد، غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، گفت ما در جامعه می‌دانستیم که این فهرست رأی نمی‌آورد، اما چاره‌ای جز تمکین از نظر جمنا نداشتیم. ناصر ایمانی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر اصولگرا، هم در نقد جمنا گفته است: «وزن‌کشی‌ها منطقی نبود؛ یعنی برخی طیف‌های اصولگرا عملا نقشی را ایفا کردند که خیلی بیشتر از وزنشان بود. نکته دیگر آنکه این مجموعه تحت‌تأثیر حرکت‌ها و مواضع سیاسی طیف پایداری قرار گرفت؛ یعنی پایداری‌ها اعلام کردند به این مکانیسم نمی‌پیوندند، بعد شرط گذاشتند، در نهایت نیز نپیوستند. عملا این حرف‌ها جمنا را تحت‌تأثیر قرار داد، درحالی‌که جبهه پایداری یکی از طیف‌های اصولگراست که وزنشان معلوم نیست چقدر است، ولی قطعا در آن اندازه‌ها نیز نبود که بیان می‌کردند». ایمانی به نامه‌نیوز گفته که جبهه پایداری ادبیات خشن و تند سیاسی دارد، این مسئله موجب عقب‌نشینی سایر گروه‌های دیگر در مقابل پایداری می‌شود؛ یعنی آنها مقابل پایداری کوتاه می‌آیند. جمنا خیلی هزینه کرد تا پایداری‌ها را به سمت خود بیاورد، درحالی‌که نیازی به این‌همه هزینه نبود.

تجربه نشان داده که اصولگرایان تغییر نمی‌کنند، بلکه از جبهه‌ای به جبهه‌ای دیگر منتقل می‌شوند. در میان اصولگرایان، جبهه کارکردی شبه‌حزبی دارد؛ در آستانه هر انتخاباتی، هیئت‌وار شکل می‌گیرد و به‌ندرت منحل می‌شود و اعضایش در آستانه انتخاباتی دیگر دوباره سر از جبهه‌ای دیگر درمی‌آورند. با وجود همه این سازوکارها، اما یا به ائتلاف نمی‌رسند یا فهرست‌هایشان، گروگان جماعتی محدود می‌شود؛ جماعتی با این توانایی که هر لحظه زیر بازی بزنند. نکته عجیب‌تر اینکه حتی گاهی برخی اعضای جبهه خود بدل به اپوزیسیون جبهه شده‌اند. آنها در سال‌های گذشته «جبهه پیروان خط امام و رهبری»، «جبهه متحد اصولگرایان»، «جبهه ایستادگی»، «جبهه پایداری»، «جبهه یکتا» و در نهایت «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» یا همان جمنا را تشکیل داده‌اند. گفته شده که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری، جمنا زیر نظر رئیسی، نامزد شکست‌خورده آن انتخابات، فعال شده است. محمدرضا میرتاج‌الدینی، معاون پارلمانی احمدی‌نژاد و عضو جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی گفت: جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی که کار مقدماتی برای انتخابات مجلس را شروع کرده، از سال آینده فعال می‌شود.

عباس سلیمی‌نمین، تحلیلگر اصولگرا، به «شرق» می‌گوید: «اگر اصولگرایان بر بسیاری از ضعف‌های گذشته فائق آیند، شرایط پذیرفته‌شدن آنها در جامعه شرایط بهتری است، به‌ویژه اینکه بتوانند از این شرایط استفاده و درست عمل کنند. البته باید گفت که در گذشته جبهه پایداری فراتر از سهم‌خواهی رفته بود و به‌نوعی یک نوع تمامیت‌خواهی را دنبال می‌کرد».

یعنی این‌گونه نبود که در چارچوب اصولگرایان عمل کند و یک سهم را دریافت کند؛ بلکه یک نگاه تمامیت‌خواهی وجود داشت که همین امر موجب ضربه‌زدن به اصولگرایان شد؛ اما درحال‌حاضر صحنه تغییر کرده است؛ یعنی جبهه پایداری موقعیت گذشته خود را ندارد. فقط جبهه پایداری در اینجا مطرح نیست. نیروهایی که در طیف اصولگرایان گردهم می‌آیند، می‌توانند این‌گونه به مسائل نگاه کنند که به یکدیگر در انتخاب افرادی که دارای صلاحیت هستند، کمک کنند. چه به این افراد تعلق حزبی داشته باشند و چه تعلق نداشته باشند. در واقع نگاه مبتنی بر گرایش به تشکیلات سیاسی خود را حاکم نکنند؛ بلکه نمایندگانی که از احزاب طیف اصولگرا معرفی می‌شوند، با یکدیگر در انتخاب شخصیت‌های توانمند، صادق، سالم و دارای برنامه همفکری کنند. این یک دیدگاه است. دیدگاه دیگر نیز این است که درحال‌حاضر که هر حزبی یک یا دو نماینده دارد، داشتن نماینده برای انتخاب‌کردن، یک ابزار قدرتی است برای اینکه نیروهای حزبی خود را وارد فهرست کنند.

حسن بیادی، دیگر فعال سیاسی اصولگرا، هم به «شرق» می‌گوید: «به نظر من یک شکاف عمیق بین گروه‌های واقعی اصولگرا و گروه‌های تمامیت‌خواه وجود دارد. متأسفانه گروه‌هایی وجود دارند که چون به مبادی قدرت و ثروت متصل هستند، از طریق تمامیت‌خواهی اقدامات خود را پیش می‌برند.

در انتخابات گذشته مجلس که فهرست اصولگراها رأی نیاورد، باید گفت که باندهای متصل به قدرت و ثروت این فهرست‌ها را هدایت می‌کردند؛ البته متذکر می‌شوم که درباره اصلاح‌طلبان نیز نقش این گروه‌ها به این شکل اثرگذار است. در میان تمام گروه‌های اصولگرایی، چند گروه معدود ازجمله افرادی در حزب مؤتلفه از روی مصلحت یا منافع ملی برای مردم و انقلاب فکر و عمل می‌کنند؛ اما این باندها به خواسته‌های حداقلی حزبی مانند مؤتلفه که سابقه ۵۰ساله دارد، توجهی نکردند. درباره انتخابات آتی نیز باید گفت که مشارکت حداکثری مردم به عملکرد دولت در چند ماه آینده بستگی دارد. اگر دولت نتواند رضایت عمومی مردم را جلب کند، یقینا آثار سوءمدیریت دولت اثر منفی بر انتخابات آینده خواهد گذاشت».

حزب مؤتلفه هم مدت‌هاست می‌خواهد با فهرست و نامزد حزبی وارد عرصه انتخابات شود؛ اما هر بار کوتاه می‌آید. هم در انتخابات مجلس پیشین مجبور شد در مقابل فهرست (جمنا) و زیاده‌خواهی‌های جبهه پایداری و جریان‌های نزدیک به آن کوتاه بیاید و با آن پشتوانه حزبی در مقایسه با جریان‌ها و احزاب نوپا و تندرو اصولگرا به همان دو، سه سهم اندک قناعت کند، هم در انتخابات ریاست‌جمهوری در نهایت در ساعات آخر مجبور شد از نامزد حزبی خود دست بشوید و از رئیسی حمایت کند. آنها روی حزب‌بودن خود مانور زیادی می‌دهند. هر بار هم درباره نامزد حزبی و فهرست حزبی داد سخن می‌دهند؛ اما دست آخر در تصمیمات جریان اصولگرایی هضم می‌شوند. حالا باز مصطفی میرسلیم که خودش در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد حزبی مؤتلفه بود؛ اما در نهایت به‌تنهایی وارد کارزار رقابت شد، به خبرآنلاین گفته ما حتما فهرست حزبی تهیه خواهیم کرد و به اطلاع مردم خواهیم رساند. میرسلیم گفته است: «ما شبکه خیلی دقیقی داریم. در تهران حوزه‌های مختلفی داریم که اینها با افرادی که در مناطق مختلف تهران هستند و قابلیت دارند، آشنایی دارند و در استان‌ها هم همین‌طور است. ۲۰۰ دفتری که در کشور داریم، بی‌کار نیستند. اینها در طول سال مشغول بررسی افراد سرشناسی‌اند که قابلیت‌های خوبی از لحاظ علمی، فنی و اجتماعی دارند و اینها را معرفی می‌کنند. بعد از اینکه آنها را معرفی کردند، ما در دفتر مرکزی با مجموعه نامزدهایی که معرفی می‌شوند، صحبت می‌کنیم. قابلیت‌های آنها را در نظر می‌گیریم؛ آن وقت اگر توافق لازم ایجاد شد، اسم‌شان را اعلام می‌کنیم». محمدنبی حبیبی، دبیرکل مؤتلفه، هم در برنامه دست‌خط عصر روز جمعه با اشاره به اینکه مانند گذشته، در این دوره هم فهرست انتخاباتی تهیه می‌کنیم، گفته است: «در بزنگاه انتخابات ممکن است دو اتفاق بیفتد؛ یا اصولگرایان و همفکران ما دست به ائتلاف می‌زنند و مؤتلفه هم خودش را عضو این ائتلاف معرفی می‌کند یا اینکه اصلا ائتلافی شکل نمی‌گیرد. سیاست ما چه در گذشته و چه حال این است که در هر شکلی باید با دست پر به میدان برویم».

مبارزه نابرابر با فساد

ادامه از صفحه ۴

ما در تدوین و پیاده‌کردن قوانین با مشکل مواجه هستیم. به‌عنوان جمع‌بندی می‌گویم اگر بخواهیم اراده سیاسی در مبارزه با فساد را در کشورمان تحلیل کنیم؛ در بخش مطالبات در شرایط خوبی هستیم، اما در بخش راهکار و روند مبارزه با فساد همچنان دچار مشکل هستیم.

نهادهای قدرت و ثروت، مستعد فساد هستند

حسن عابدی‌جعفری، وزیر بازرگانی دوران جنگ: نقطه کلیدی در مبارزه با فساد این است که هم نهاد قدرت و هم نهاد ثروت مستعد فساد هستند؛ یعنی جایی که قدرت و ثروت انباشته شود نباید انتظار مبارزه با فساد را داشت و این تجربه تاریخی است که مربوط به یک سرزمین یا یک برهه زمانی خاص نیست. بنابراین نیازمند نهاد سوم هستیم و آن نهاد علمی است. در گام اول زیرساخت‌های نظری مبارزه با فساد توسط این نهاد تهیه می‌شود. باید توجه داشت که مبارزه با فساد غیرمبتنی بر دانش و علم عین فساد بوده و مهلک‌ترین اشتباه این است که بدون دانش به مبارزه با فساد بپردازیم. گام دوم این است که اگر دانشمندان و علما گرفتاری خاصی را در جامعه دیدند، باید پیشگام عملی مبارزه با آن باشند و البته سخت‌تر از گام اول است؛ اگر حضور فعال حاصل نشود دو نهاد قدرت و ثروت هیچ مبارزه‌ای انجام نخواهند داد.براساس نظرسنجی‌های رسمی نزدیک به ۸۰ درصد مردم دنیا از اقدامات دولت‌ها در مبارزه با فساد ناامید هستند و پایگاه اصلی این مبارزه بر دوش عالمان گذاشته شده است. البته نباید فراموش کرد که در هیچ کجای دنیا برای هیچ عالمی در هیچ سطحی فرش قرمزی پهن نشده است. عالمان باید توجه داشته باشند اگر در وسط مبارزه با فساد نباشند بی‌تردید خود طعمه فساد خواهند شد. اگر در دانشگاه شاهد فساد آکادمیک هستیم به این دلیل است که در این راستا مبارزه‌ای نشده و باید توجه داشت که فساد پدیده‌ای زنده، پویا و توسعه‌طلب است. در مورد مبارزه با فساد عالمان در دو حوزه قرار دارند؛ نخست در خدمت نهاد قدرت و ثروت هستند و حتی راهکارهای مبارزه با فساد را نشان می‌دهند. گروه دوم عالمانی هستند که با چراغ دانش اقدام به مبارزه با فساد می‌کنند. البته گروه دوم نباید منتظر دعوت بنشینند و باید خود وارد میدان شوند. ما در ماه‌های اخیر شاهد بودیم که گروهی از اقتصاددانان که فکر می‌کردند راهکار علمی دارند و صدای آنها شنیده نمی‌شود نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتند و بلافاصله از آنان دعوت شد تا سخنان‌شان شنیده شود.

دموکراسی‌های صوری، زمینه فساد را ایجاد می‌کنند

علی ربیعی، وزیر کار سابق: مسئله فساد از مهم‌ترین مسائل جامعه است و با حیات سیاسی و اجتماعی جامعه مرتبط است. آثار عمیق اجتماعی در روابط جامعه نفوذ می‌کند. فساد زندگی مردم را سخت‌تر می‌کند. در مواردی که فساد می‌شود، در صورت محاسبه، هر ایرانی سرانه صد هزار تومان می‌تواند سهم داشته باشد. فساد ازبین‌رفتنی نیست؛ اما می‌توان آن را کنترل کرد. فساد ریشه در سیاست‌های فسادزا، نظام‌های اجرائی فسادزا و عامل انسانی فاسد دارد. فساد سیستماتیک است. فساد از نهادهای مدنی تا دولت، دانشگاه و رسانه ادامه پیدا می‌کند. فساد، دو سطح یقه‌سفید و یقه‌آبی دارد؛ فساد یقه‌سفید از نظر حجم زیاد است؛ اما فساد یقه‌آبی‌ها از نظر فساد درخور توجه است. رویکردهای فساد با تجربه ایرانی در مرحله اول شامل رویکرد سیاسی است که فقدان دموکراسی یا دموکراسی‌های صوری زمینه فساد را ایجاد می‌کند. کشورهایی که دموکراسی بالا دارند یا دیکتاتوری صرف هستند، به مراتب از دموکراسی‌های صوری فساد کمتری دارند. از سویی، امتیازات ویژه فسادزا هستند. برخی فسادها عامل روان‌شناختی فردی دارد که هرکس داده و ستانده‌های خود را با بقیه مقایسه می‌کند و اگر عدالت ندید، به فساد گرویده می‌شود. رویکرد کارفرما و کارگزار را بسیار قابل تبیین می‌بینم که وقتی کارفرما و ناظر یکی می‌شوند، به‌شدت فسادپرور است. با رویکرد حامی پیرو، حامی فردی را حمایت می‌کند و پیرو منافع حامی را پیش می‌برد. من در راهکارها سه راهکار را بررسی کرده‌ام. ما تنها یک بُعد فساد را مدنظر قرار داده‌ایم. در بحث اصلاحات ساختاری باید شفافیت ساختار انتخاباتی را پیش بگیریم. نظام نمایندگی را باید اصلاح کنیم و شکل اعمال دموکراسی مثل نهادهای نظارتی نیاز داریم. تنازعات ساختاری شاید در هیچ جای دنیا مثل ما وجود نداشته باشد. در فرودگاه دو بار شما را می‌گردند. دو نهاد شما را بازرسی می‌کند. درباره اصلاح سیاست اقتصادی خیلی سخن گفته می‌شود. من سیاست‌های فسادزا را هم می‌گویم. خصوصی‌سازی راه مبارزه با فساد است؛ اما خصوصی‌سازی یک‌ساعته را مفید نمی‌دانم. به عقیده من سیاست‌های بازار آزاد را باید اتخاذ کنیم. اصلاح فرایندهای اداری را باید در دستور کار قرار دهیم و آزمون‌های نخبگی را باید پیش بگیریم. برنامه‌های انضباطی شامل افزایش کنترل و نظارت است. هر وقت فساد را سیاسی کردیم، مبارزه با فساد را هم ناکارآمد کرده‌ایم. گاهی سازمان‌های غیررسمی در سازمان‌ها وجود دارد. من خوشحالم که سالم‌ترین فرد را در تأمین اجتماعی گذاشتم، او حتی نصف حقوق خود را برداشت نمی‌کرد. گاهی مدیران نمی‌توانند بهترین‌ها را انتخاب کنند و این ذی‌نفعان من غیر حق این‌قدر فشار می‌آورند که مدیران تحت تأثیر قرار می‌گیرند. دو سطح فعالیت در زمان استیضاح ممکن است رخ بدهد. یک سطح وقتی است که کسی می‌آید و به‌عنوان مثال می‌گوید من یک درمانگاه برای شهرم می‌خواهم و این می‌تواند پذیرفتنی باشد؛ اما در سطحی دیگر می‌گویند کسی را بگذارید تا برای من پول بیاورد که این مذموم است و من اگر می‌خواستم این کارها را بکنم، امروز اینجا نبودم. ما متأسفانه پدیده مبارزه با فساد و ارتقا نظام سلامت اداری را یا سیاسی می‌کنیم یا با افشاگری‌های ناپخته خراب می‌کنیم. نشان‌دادن و به‌نوعی به عرصه عمومی کشاندن وقتی کار ساختاری انجام نشود، نتیجه‌ای ندارد. رستمی وجود ندارد که مشکل ما را حل کند. ما مشکلی ذهنی داریم و آن این است که ما دنبال کسی هستیم که آن نجات‌بخش خودمان نیستیم؛ بلکه نجات‌بخشی است که باید بیاید و مشکل ما را حل کند. اولین گام کاهش فساد جنبش اجتماعی در جامعه است. آنچه در دولت باید اتفاق بیفتد، شورایی برای شناخت گلوگاه‌های فساد و ایجاد آژیرکشی است؛ اما آنچه باید فراتر از آن رخ دهد، در جامعه است. وقتی مقابله با فساد به‌عنوان یک جنبش اجتماعی شکل بگیرد؛ یعنی باید آن را در معرض قرار دهیم. راهکار اصلی، بازگشت به خود جامعه است که می‌تواند به‌عنوان یک خط‌کش هم برای سنجش سیاسیون به کار برود.

رویداد

بعد از ۶ ماه سفیر ایران در چین منصوب شد

مأموریت سخت در چین

● بعد از حدود شش ماه، روزهای خالی از سفیر سفارت ایران در چین به پایان رسید. محمد کشاورززاده، دستیار وزیر و مدیرکل آمریکای وزارت خارجه، به‌عنوان سفیر در چین منصوب شد. مرکز دیپلماسی رسانه‌ای وزارت خارجه با اعلام این خبر نوشت: «به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهوری اسلامی ایران محمد کشاورززاده به عنوان سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در جمهوری خلق چین منصوب شد و طی روزهای آینده عازم محل مأموریت می‌شود».

سفیر جدید کیست

محمد کشاورززاده، مدیرکل آمریکای وزارت خارجه و پیش از آن نیز در ونزوئلا و ازبکستان سفیر بوده است. در جست‌وجوی اینترنتی با نام او اطلاعاتی بیش از این به دست نمی‌آید. گفت‌وگوها و اظهارنظرهایی هم که از کشاورززاده وجود دارد، همگی حول قاره آمریکا و به‌ویژه آمریکای‌لاتین می‌چرخد، بنابراین حوزه فعالیت سفیر جدید ایران در چین قاره آمریکا بوده. چهره سفیر جدید ایران در مطبوعات و رسانه‌ها هم زیاد به چشم نمی‌خورد. او در فضای مجازی هم چندان فعال نیست و برخلاف وزیر خارجه که از توییتر به‌عنوان کانال ارتباطی مستقیم خود با عموم استفاده می‌کند، گویا در این شبکه اجتماعی هم حضور ندارد. بااین‌همه باید منتظر ماند و دید که آیا بعد از برعهده‌گرفتن مسئولیت سفارت ایران در چین، کشاورززاده چنین رویکردی را ادامه خواهد داد یا نه.

کار سخت کشاورززاده

یکی از محورهای استیضاح ابتر وزیر خارجه، سفارت‌های بی‌سفیر، از جمله چین و هند بود؛ موضوعی که دست‌مایه انتقادات برخی از نمایندگان مجلس به محمدجواد ظریف شده بود. آنها تأکید می‌کردند که در شرایط حساس کنونی چنین تعللی جایز نیست و سفیر باید هرچه زودتر تعیین شود. پیش از خالی‌ماندن سفارت ایران در چین، علی‌اصغر خاجی از سال ۹۳ در این سمت فعالیت می‌کرد. خاجی حدود چهار سال بعد به تهران بازگشت. بعد از او عبدالناصر همتی به این سمت منصوب شد. همتی اما در جریان التهابات بازار ارز به‌عنوان رئیس بانک مرکزی انتخاب شد، بنابراین خیلی زود به تهران بازگشت و سفارت ایران در چین خالی از سفیر شد. در این بین دور دوم تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا (۱۳ آبان) نیز اعمال شد؛ تحریم‌هایی که ابتدا در راستای سیاست به‌صفررساندن صادرات نفت ایران از سوی آمریکا پیش می‌رفت. هرچند در نهایت آمریکا هشت کشور را که مشتریان مهم نفت ایران بودند از تحریم‌ها معاف کرد. در صدر این کشورها نیز بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران؛ یعنی چین بود؛ کشوری که در کنار اتحادیه اروپا و روسیه به توافق هسته‌ای پایبند مانده و با سیاست‌های ایالات متحده همسو نیست. رابطه چین با آمریکا بعد از روی‌کارآمدن دونالد ترامپ دچار تنش‌های زیادی شده و تا شکل‌گیری جنگ اقتصادی پیش رفته است. هرچند که در اجلاس جی ۲۰ در آرژانتین رؤسای‌جمهور دو کشور به آتش‌بسی ۹۰ روزه در این رابطه رسیدند، بااین‌حال رئیس‌جمهور آمریکا ید طولایی در خروج از توافق‌ها دارد؛ از برجام گرفته تا توافق آب‌وهوایی پاریس. در کنار تحریم‌های آمریکا، تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حفظ برجام متوقف نشد. تجسم این تلاش‌ها سازوکار ویژه مالی اروپا شد که به گفته وزیر خارجه به زودی ثبت می‌شود. اتحادیه اروپا از دیگر کشورها هم برای پیوستن به این سازوکار دعوت کرده است، اما نحوه مبادلات مالی با کشورهایی مانند چین و روسیه مشخص نیست. محمد کشاورززاده در این شرایط راهی پکن می‌شود. به نظر می‌رسد مبادلات اقتصادی و تجاری، موضوع فروش نفت و مسائل منطقه‌ای موضوعات مهم پیش‌روی سفیر جدید ایران در چین هستند.

شرکت آب و فاضلاب استان البرز (سهامی خاص)

سیستم مدیریت یکپارچه/ کد ۱۰/۲۵/۰۰/ف

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۱۴۷/ م ج/ ۹۷)

شرکت آب وفاضلاب استان البرز در نظر دارد انجام امور نگهبانی و ایجاد حفاظت فیزیکی به منظور حفاظت از تاسیسات ، اماکن ، اموال و تجهیزات متعلق به شرکت آب و فاضلاب استان البرز را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید .

مدت پیمان : ۳۶ (سی و شش) ماه شمسی می با شد .

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴/۵۲۷/۰۷۸/۰۰۰ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت و یا چک بانکی تضمین شده و یا ضمانتنامه بانکی می باشد .

مهلت تحویل اسناد مناقصه : تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۷/۱۰/۰۸ محل تحویل اسناد اداره دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز میباشد .

تاریخ بازگشایی پاکات : ساعت ۱۴روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۰/۰۹ خواهد بود.

قیمت فروش اسناد مناقصه : مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال واریزی به حساب شماره ۱۷۱۷/۱۱۱/۲۲۶۲۹۹۰/۷ بانک توسعه تعاون شعبه رجائی شهر کرج (بنام شرکت آب و فاضلاب استان البرز)

داوطلبان میتوانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۷/۰۹/۱۸ لغایت۹۷/۰۹/۲۱ با در دست داشتن معرفی نامه به دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان البرز واقع در کرج - انتهای بلوار شهید چمران - ساختمان شماره یک مراجعه نمایند .تلفن تماس : ۳۲۱۱۷۱۱۰-۰۲۶

هزینه درج دو نوبت آگهی بعهده برنده مناقصه میباشد . سایر اطلاعات و جزییات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات ، به آدرس (iets.mporg.ir) مراجعه نمایید .

شرکت آب و فاضلاب استان البرز(سهامی خاص)